

رای وحدت رویه شماره ۱۵۵
مورخ ۱۳۷۴/۱۲/۱۴ و تکلیف خسارت
تاخیر تادیه مطالبات بانکها و
اشخاص دیگر در دوران مشکوک یا توقف

دکتر محمد صقری

عضو هیئت علمی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری

مقنن در ماده ۴۲۱ ق.ت مقرر می دارد: «همینکه حکم ورشکستگی صادر شد قروض مؤجل با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت به قروض حال مبدل می شود.» غرض آن است که مطالبات موجل با مطالبات حال شده در تاریخ صدور حکم توقف به طور اصولی همسطح گردد و رعایت تساوی و عدالت میان دیان بشود. اما قانونگذار تکلیف دیون بلا وصولی را که تاریخ آن به قبل از حکم ورشکستگی بر می گردد روشن ننموده است. با توجه باینکه بر خلاف مورد قبل، این قبیل طلبها کراراً در عمل مشاهده می شود، و بستانکاریهای موثق سیستم بانکی نیز اصولاً از همین نوع می باشد، موضوع حائز جنبه های عملی و تئوری ارزنده ای است. قاعدتاً، همانگونه که وفق ماده ۴۲۱ می یابد در مورد دیون مؤجل تخفیفات مقتضیه اعمال شود، و مبلغ قابل عنوان تقلیل یابد، همان طور نیز لازم است در خصوص دیون معوق قبل از تاریخ حکم توقف، خسارت تاخیر تادیه به اصل مطلب تا این تاریخ اضافه گردد، تا حاصل آن همپراز دیگر مطالبات جهت پذیرش در نزد مدیر یا اداره تصفیه باشد. بنابراین پس از تاریخ حکم توقف تعلق خسارت تاخیر بر دیون ورشکسته به هیچ وجه قابلیت توجه ندارد. زیرا قطع نظر از لزوم همسطح شدن طلب ها در روز صدور حکم

ورشکستگی، اگر فرض کنیم این خسارات باید بر اصل بستانکاریها اضافه شود، وقتی که معمولاً دارائی ورشکسته را کمتر از دیون او می‌دانیم سهم گرمائی طلبکاران افزون نمی‌گردد. به علاوه با افزایش میزان کل بدهی‌ها، حصول امکان انعقاد قرارداد ارفاقی نیز به نحوی قابل ملاحظه تضعیف خواهد شد. این ملاحظات زمانی که طلبی متکی به وثیقه است قدرت خود را کماکان حفظ می‌نماید. زیرا مقررات قانون تجارت به عنوان قانون خاص بر عده‌ای مشخص از افراد تابع قانون ثبت، یعنی بدهکاران ورشکسته قابل اعمال می‌باشد و قواعد معارض را بلا اثر می‌سازد.

در این زمینه دو رویه مغایر هم راجع به مطالبات موثق بانکی از مدیون متوقف در دادگاههای تالی و شعب دیوانعالی کشور وجود دارد که منتهی به رای وحدت رویه گردیده است:

۱- شعبه اول دیوان عالی کشور (در پرونده کلاسه ۲۸۰۲/۱۵ مورخ ۱۳۳۹/۳/۹) در دعوی بانک ملی ایران به طرفیت اداره تصفیه به خواسته کارمزد و زیان دیرکرد از تاریخ ورشکستگی تا روز وصول طلب با وثیقه از شرکت سهامی ورشکسته (ر.ب.ا.) باشکستن حکم دادگاه ماهوی چنین اظهار نظر کرده است: «... طلب بانک ... نسبت به اصل و خسارات دیرکرد و کارمزد کلاً طلب ممتاز شناخته میشود و برای وصول چنین طلبی حق رجحان وجود دارد.»

۲- شعبه سوم دیوان عالی کشور (در پرونده کلاسه ۳۷۵۴/۸ مورخ ۱۳۴۳/۱۱/۱۵) در دعوی بانک کشاورزی و اداره تصفیه راجع به تعلق خسارت تاخیر تادیه تا روز وصول طلب موثق آن بانک نسبت به آقای (م.) بازرگان ورشکسته، رای دادگاه استان به شرح زیر را استوار نموده است:

«... اداره تصفیه از بانک کشاورزی سوال نموده، طلب بانک از آقای (م.) تا تاریخ ۳۹/۳/۱۰ که تاریخ اعلام توقف میباشد چقدر بوده ... بانک مدعی شده طلب بانک دارای وثیقه بوده و باید تا تاریخ پرداخت طلب بانک ۱۲٪ مبلغ احتساب و پرداخت شود، صحیح نیست. زیرا همانطور که وکیل اداره تصفیه توضیح داده بمجرد صدور حکم ورشکستگی طبق قانون تجارت تاجر ورشکسته هیچگونه حق دخالت در امور تجاری و اموال و پرداخت بدهی و دریافت طلب خود را ندارد. پس ... چگونه رنج طلبکار تا تصفیه حساب وسیله اراده تصفیه جریان خواهد داشت و نیز طبق همان قانون به محض صدور حکم ورشکستگی قروض مؤجل به حال تبدیل میشود ...»

در این قسمت از رای واضح و مبرهن است که دادگاه استان خسارات تاخیر را از قرار صدی دوازده

در سال تا تاریخ صدور حکم توقف، که ظاهراً مورد قبول اداره تصفیه نیز بوده، پذیرفته است. لکن در ادامه چنین اضافه می‌کند:

«..... فلسفه حکم توقف نیز این نخواهد بود که برب طلب طلبکاران نیز از تاریخ اعلام توقف تاجر قطع گردد، و اگر طلبکاران که در مقابل طلب، وثیقه داشته‌اند و طلب آنان به موجب قانون طلب ممتازه دانسته شده مقصود این بوده که طلب و وثیقه دار تا تاریخ توقف تماماً پرداخت شود.....»

از ظاهر عبارات رای آن طور که در آرشیو حقوقی کیهان آمده است استنباط می‌شود: اداره تصفیه اصل و فرع بانک را تا تاریخ اعلام توقف (۱۳۳۹/۳/۱۰) پذیرفته، ولی تقاضای بانک مزبور وصول خسارت تاخیر تا تاریخ پرداخت طلب بوده است (منظور از تاریخ اعلام توقف، تاریخ اعلام حکم ورشکستگی می‌باشد).

بنابراین دادگاه استان منطقاً نمی‌توانسته خارج از حدود خواسته و اراده طرفین دعوی حکمی صادر کند و وصول خسارت تاخیر را صرفاً تا تاریخ توقف یعنی تاریخ عدم تادیه نخستین دین مجاز بدانند.

هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رای وحدت رویه شماره ۱۵۵ مورخ ۴۷/۱۲/۱۴ (آرشیو حقوقی کیهان، سال ۱۳۴۸، ص ۳۳۸) با تأیید رای شعبه سوم چنین اظهار عقیده می‌نماید:

«.... از قانون تجارت استفاده نمی‌شود که این طبقه از طلبکاران (یعنی طلبکاران با وثیقه) علاوه بر مزایای فوق (یعنی وصول تمام طلب از مال مورد وثیقه و در صورت وجود مازاد دین، استفاده از سهم گرمائی) ذیحق در مطالبه خسارت تاخیر اداء از تاریخ ورشکستگی به بعد هم باشند، و ماده ۵۶۲ ق.ت. که در باب سیزدهم تحت عنوان اعاده اعتبار تاجر ورشکسته ذکر شده، با توجه به ماده ۵۶۱ قانون مزبور، ناظر به موردی است که تاجر ورشکسته ملائت حاصل نموده و بخواهد اعاده اعتبار کند.»

آیا منظور هیئت عمومی از ذکر «تاریخ ورشکستگی» تاریخ شروع توقف است یا تاریخ صدور حکم ورشکستگی؟ به نظر می‌رسد با توجه به مندرجات رای دادگاه استان که مورد تأیید شعبه سوم دیوان عالی کشور قرار گرفته است منظور هیئت، تاریخ صدور حکم ورشکستگی می‌باشد.

پاسخ اداره حقوقی به استعلام بانک مرکزی، راجع به تعبیر و تفسیر رای وحدت رویه فوق صحت

این مدعی را به اثبات می‌رساند:

پرسش - «..... مشکلات مهمی که اتخاذ این تصمیم برای بانکها و توسعه اقتصادی کشور ایجاد خواهد کرد قابل تردید نیست. از طرفی با صدور این رای ممکن است، بعضی از مدیونین بانکها که با تسلیم وثایق قابل قبول وامهای عمده تحصیل کرده‌اند، حکم توقفی با تاریخ توقف سالهای قبل تحصیل کرده و بدین ترتیب قسمتی از سرمایه و درآمد بانکها (که ماهات آن قبلاً پرداخت شده است) تزییع گردد. از طرف دیگر، با صدور این رای از این پس بانکها نمیتوانند نسبت به وصول کلیه مطالبات خود اطمینان کافی حاصل کنند و مجبور خواهند شد قبل از اعطای هرگونه اعتباری، علاوه بر ارزیابی وثیقه امکانات و وضع مالی گذشته و آینده تاجر وام‌گیرنده را نیز بررسی کنند (که این امری است اصولاً متعذر)، و در نتیجه حجم معاملات بانکی و تسهیلات سیستم بانکی بمیزان قابل ملاحظه‌ای کاهش خواهد یافت (استعلام شماره ۷۳۴/ه مورخ ۱۳۴۸/۵/۶ بانک مرکزی ایران).

پاسخ اداره حقوق بشرح زیر بوده است:

«مستنبط از مقررات ورشکستگی ایران اینست که مطالبه خسارت تاخیر تادیه در حین تصفیه امور ورشکستگی صحیح نیست. زیرا احتساب و پرداخت خسارت از طرف مدیر تصفیه قبل از تادیه اصول بدهی‌های ورشکسته بر خلاف انصاف و اصل تساوی حقوق طلبکاران و نقض غرض قانون است. فقط بستانکاران بموجب ماده ۵۶۲ ق.ت. میتوانند پس از اعلام ختم تصفیه و قبل از اعاده اعتبار معادل صدی هفت تا پنج سال آنهم از خود ورشکسته خسارت بخواهند.....» (نظریه شماره ۷/۵۸۴۲ مورخ ۱۳۴۸/۱۰/۲۷)

راجع به بازرگان متوفی نیز همین نظر اعلام شده است

در استعلام شماره ۱۱/۱۵۴۲۷ مورخ ۱۳۵۲/۵/۷ اداره کل تصفیه تهران چنین آمده است: با توجه به رای لازم الاتباع شماره ۱۵۵-۴۷/۱۲/۱۴ هیئت عمومی دیوانکشور مبنی بر عدم تعلق خسارت تاخیر تادیه به ورشکسته و با عنایت به ماده ۲۷۴ ق امور حسبی که رعایت کلیه مقررات بازرگان ورشکسته را در مورد تصفیه تر که بازرگان متوفی لازم است دانسته، و بالتفات به رای ۳۱/۱۱/۱۶-۱۷۸۹ دیوانکشور، دائر بعدم لزوم حکم توقف در مورد بازرگان متوفی، آیا مطالبه و دریافت خسارت تاخیر تادیه از بازرگان در گذشته مجازست یا نه؟

پاسخ اداره حقوقی به شرح زیر بوده است:

« در هر دو مورد بازرگان ورشکسته و بازرگان در گذشته، دست بازرگان مدیون قانوناً یا قهراً از دخالت در اموال قطع میشود و دیون مؤجل حال میگردد (ماده ۲۳۱ ق. امور حسبی). خصوصیت امور تجاری لزوم حمایت قانونی طلبکاران و توزیع عادلانه دارائی مدیون بین آنان (بخصوص در مواردیکه ترکه، یا دارائی برای پرداخت تمام دیون کافی نباشد) ایجاب میکند، مقررات مشابهی در هر دو مورد اعمال گردد اما فلسفه قاعده توقف جریان بهره و خسارت تأخیر نسبت به دیون ورشکسته (از تاریخ اعلان ورشکستگی به بعد) اینست که وضع هر طلبکار و مقدار استحقاق او در روز اعلان ورشکستگی و حین شروع به تصفیه بوجه قطعی معلوم و مشخص باشد تا کار تصفیه آسان و اصل برابری میان طلبکاران تحقق یابد و طلبکاران صاحب بهره نیز از کندی جریان تصفیه به حساب دیگران استفاده نکنند ...» (نظریه مشورتی شماره ۲۷۱ مورخ ۱۳۵۳/۱/۱۹ اداره حقوقی)

مع ذلک ظاهراً نحوه عمل اداره تصفیه چنین بوده که خسارت تأخیر را تا تاریخ شروع توقف (و نه تاریخ صدور حکم توقف) محاسبه کند و همراه اصل طلب در لیست بستانکاران منظور نماید. « در مورد ادعای طلب شرکت (ن.ا.آلمان) از آقای کریم اردوبادی بازرگان ورشکسته مبلغ ریال معادل هم ارز ریالی دلار مورد ادعای شرکت از بابت اصل خواسته و مبلغ ریال بابت هزینه تمبر اوراق و دادخواست و مبلغ ریال بابت خسارت حق الوکاله و مبلغ ریال بابت خسارت تأخیر تا تاریخ ۴۱/۳/۱۰ که حکم قطعی علیه آقای اردوبادی صادر گردیده و خسارت تأخیر از تاریخ ۴۱/۳/۱۰ (تاریخ صدور حکم) تا تاریخ ۴۲/۲/۱۶ (تاریخ توقف) نیز از قرار صدی دوازده در سال معادل ریال می شود که جمع ارقام مذکور مبلغ ریال طلب شرکت از آقای (ک.ا.) است ...» (تاریخ صدور حکم ورشکستگی نامبرده ۴۳/۳/۱۶، در پرونده کلاسه ۶۷۹/۴۵ شعبه ۲۶ دادگاه شهرستان تهران بوده که در شماره ۶۸۵۵ مورخ ۷۴/۶/۶ روزنامه رسمی ص ۷ اعلان گردیده است.) شاید استدلال آن اداره محترم این باشد که فرد ورشکسته پس از تاریخ شروع توقف، قانوناً طبق بند دوم ماده ۴۲۳ ق.ت. مجاز به پرداخت اصل هیچ دینی نیست، پس فرع آنرا نیز نمیتوانند تقبل کند.

با وجود این، براساس ماده ۴۲۱ ق.ت. و رای وحدت رویه اخیر، کلیه بدهی ها می باید قبل از

منظور شدن در فهرست دیون، همطراز شود تا بعداً سهم گرمائی دریافت دارد، و یا اگر طلبی موثق است وثیقه به اجرا درآید.

تعلق خسارت تاخیر به اصل طلب (اعم از موقت و ذمه ای) تا روز صدور حکم ورشکستگی از حکم شعبه ششم دیوان عالی کشور نیز کاملاً مشهود است:

«..... مدیون بواسطه صدور حکم ورشکستگی از مداخله در اموال خود ممنوع و برای او پرداخت دین ولو با داشتن مال مقدور نبوده، صدور رای به خسارت تاخیر نسبت به بعد از تاریخ حصول توقف مورد نداشته.....» (حکم شماره ۱۵-۲۰۸۳ مورخ ۱۳۳۷/۶/۲۰)

اداره تصفیه نیز به همان ترتیب عمل می نمود. یعنی «..... از تاریخ صدور حکم ورشکستگی به بعد با پرداخت خسارت تاخیر تادیه هیچگونه دیون ورشکسته اعم از موثق و غیر آن موافقت نمیگردد (دکتر انوری پور، «ورشکستگی در حقوق ایران» ص ۶۸ و ۶۹).

در شرایط حاضر، فقط بانکها با اجازه حاصل از قانون نحوه وصول مطالبات بانکی مصوب ۶۸/۱۰/۵ (مجمع تشخیص مصلحت نظام) مجاز به دریافت خسارت تاخیر تادیه به شرح فوق می باشند. اما از دیگر اشخاص حقیقی و یا حقوقی، مطالبه خسارت تاخیر به هیچ روی پذیرفته نمی شود:

«..... در مورد مطالبه خسارت تاخیر تادیه.... با توجه به اصول ۴ و ۴۳ قانون اساسی ج.ا.ا. و فتوای رهبر انقلاب چون مطالبه فاقد وجه شرعی است بر رد دعوی رای میدهد»
(رای شماره ۴۷۸ مورخ ۶۲/۸/۲۳ شعبه ۳۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران).

«ایرادات فرجا مخواه ضمن لایحه پیوست دادخواست فرجامی موجه و موثر در مقام بنظر نمیرسد زیرا مطالبه خسارت تاخیر تادیه بموجب نظریه فقهای شورای نگهبان (مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۱۳۱۶-۱۱/۱۰/۶۲ مغایر موازین شرعی شناخته شده است. بنابراین توجهاً به اصول چهارم و نود و ششم قانون اساسی و مستنداً به صدر ماده ۵۵۸ ق. آدم، دادنامه شماره ۴۷۸-۶۲/۸/۲۳ شعبه ۳۲ دادگاه عمومی تهران ابرام میگردد» (رای شماره ۴۷۸/۶۲ مورخ ۶۲/۸/۲۳ شعبه ۹ دیوان عالی کشور در پرونده فرجامخواهی کلاسه ۲۸۴/۱۷؛ همچنین این بستانکاران حق مطالبه نقصان ارزش معاملاتی مطالبات خود را به جهت کاهش قدرت خرید پول

رسمی ندارند. در حالیکه اموال غیر منقول و منقول ورشکسته در این شرایط افزایش قیمت می یابد و این خطر وجود دارد که در خاتمه امر تصفیه، مبالغ قابل توجهی بعنوان مازاد دارائی !! برای شخص ورشکسته باقی بماند)

مگر آنکه خسارت تاخیر در حکم قطعی دادگاه به طرفیت شخص ورشکسته و یا قائم مقام قانونی او قید شده باشد که به نظر اداره حقوقی باید به همان صورت به نفع محکوم له (اعم از بانک و غیر آن) به اجراء در آید و اداره تصفیه نمیتواند از اجرای حکم مادام که به طریق قانونی ملغی نشده است جلوگیری به عمل آورد و رای وحدت رویه مورد بحث را اعمال نماید:

استعلام شماره ۱۱/۲۹۹۱۳ مورخ ۱۳۵۲/۱۰/۳۰ اداره کل تصفیه امور ورشکستگی - طبق رای شماره ۱۵۵-۴۷/۱۲/۱۴ هیئت عمومی دیوانعالی کشور ورشکسته از تاریخ توقف، از پرداخت خسارت تاخیر تادیه معاف است. با توجه به رای مذکور، آیا در مورد احکامی که از طرف محاکم علیه شخص ورشکسته یا علیه اداره تصفیه به قائم مقامی ورشکسته مبنی بر پرداخت خسارت تاخیر تادیه صدور یافته و دایره اجرا را مکلف به وصول و ایصال خسارت دیر پرداخت تا زمان اجرای حکم کرده، اداره تصفیه می تواند باستناد و تجویز رای فوق الاشعار که لازم الاتباع است از پرداخت خسارت تاخیر مذکور و مقید در حکم و یا اجرائیه را در صورتیکه منجر به صدور اجرائیه شده باشد خود داری نماید، یا ملزم به اجرای مفاد حکم با وجود رای دیوانعالی کشور خواهد بود؟ نظریه مشورتی اراده حقوقی به شرح ذیل است:

« نظر باینکه حکم قطعی دادگاههای دادگستری مادام که از طریق قانونی ملغی نشده لازم الاجرا است و طبق ماده ۹ ق.آ.د.م هیچ مقام رسمی و اداره دولتی نمیتواند از اجرای آن جلوگیری نماید مگر خود دادگاهی که حکم داده یا دادگاه بالاتر از آن، آنها در موردیکه قانون معین میکند. بنابراین مفاد حکم در مورد خسارت تاخیر تادیه نیز قابل اجراست» (نظریه شماره ۲۶۹ مورخ ۱۳۵۳/۱/۱۹)

نتیجه‌گیری:

لزوم رعایت تساوی میان بستانکاران از ورشکسته، موجب تطبیق قانونی بستانکاریهای آنها در تاریخ صدور حکم ورشکستگی است. با عنایت باینکه عرفاً فاصله زمانی میان شروع توقف و حکم توقف بسیار طولانی و گاه بالغ بر ده سال است، عدم تعلق خسارت تاخیر تادیه به مطالبات بانکی در این مدت مدید، با روح قانون نحوه وصول مطالبات بانکی مورخ ۶۸/۱۰/۵ فوق‌الاشعار منافات دارد و قابل توجیه نمی‌باشد. بعلاوه تعادل میان مطالبات در زمان ایجاد و اموال ورشکسته از حیث ارزش و اعتبار معاملاتی قابل تعمق است تا دیان حتی الامکان به ارزش و قدرت خرید طلب‌هایشان دست یابند.

